



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



خبرنامه
پایه پنجم
شماره ۲
پیاپی ۱۰۰
مهرماه ۱۳۹۸
چهارم اردیبهشت

موسسه تخصصی
آموزش و پژوهش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توبه بازگشت به فطرت

نویسنده:

جواد محدثی

ناشر چاپی:

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	توبه بازگشت به فطرت
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۳	سخن ناشر
۱۸	سرآغاز
۲۴	بازگشت به فطرت
۲۹	توبه، پنجره ای رو به رحمت
۳۹	حقیقت توبه
۴۵	توبه و جبران
۵۳	آثار گناه، آثار توبه
۶۳	چرا تأخیر؟...
۷۱	توبه از چه؟
۷۹	موانع توبه
۹۲	راهی آسان تر از توبه
۹۷	راههای دیگر آمرزش گناه
۱۰۳	می توان خوب بود!
۱۰۶	درباره مرکز

سرشناسه : محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -

عنوان قراردادی : نهج البلاغه . برگزیده . شرح

عنوان و نام پدیدآور : توبه بازگشت به فطرت / جواد محدثی .

مشخصات نشر : مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۱ .

مشخصات ظاهری : ۹۹ص .

فروست : درسهایی از نهج البلاغه؛ ۲ .

شابک : ۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۴۴۴-۹۸۶-۴ :

یادداشت : چاپ یازدهم .

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس .

موضوع : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق . نهج البلاغه -- توبه

موضوع : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah -- Repentance

موضوع : توبه (اسلام)

شناسه افزوده : علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق . نهج البلاغه . برگزیده . شرح

شناسه افزوده : بنیاد پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره : BP۳۸/۰۹ / ت ۸۷ م ۳ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۲۹۸۵۷

توبه

بازگشت به فطرت

جواد محدثی

ص: ۳

چاپ اول: ۱۳۸۳ / ۱۰۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی

مراکز پخش

بنیاد پژوهشهای اسلامی، تلفن و دورنگار (مشهد) ۲۲۳۰۸۰۳

صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

شرکت به نشر، (مشهد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۳۶ دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

Web Site: www.islamic-rf.ir E-mil: info@islamic-rf.ir

حق چاپ محفوظ است.

ص: ۴

توبه

بازگشت به فطرت

جواد محدثی

فهرست مطالب

سرآغاز ۷۰۰۰

بازگشت به فطرت ۱۳۰۰۰

توبه، پنجره ای رو به رحمت ۱۸۰۰۰

حقیقت توبه ۲۷۰۰۰

توبه و جبران ۳۳۰۰۰

آثار گناه، آثار توبه ۴۱۰۰۰

چرا تأخیر؟... ۵۱۰۰۰

ص: ۵

توبه از چه؟ ۵۹ ...

موانع توبه ۶۷ ...

راهی آسان تر از توبه ۸۰ ...

راههای دیگر آمرزش گناه ۸۵ ...

می توان خوب بود! ۹۱ ...

ص: ۶

نهج البلاغه را بی تردید می توان به دریایی پر گوهر تشبیه کرد که هر چه بیشتر در آن غواصی شود، درسها و حکمتهای زندگی ساز و پربهای بیشتری به دست می آید. بی جهت نیست که دانشمندان بسیاری در طول چهارده قرن، در پی درس آموزی از مکتب علوی و کسب معرفت از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بوده اند و

در شرح سخنان پیر ارج او کتابها نوشته اند.

سخنان حضرت علی علیه السلام، هم در زمینه

مباحث نظری و عقلی بسیار ارزنده و راهنماست، هم در قلمرو مسائل عینی و زندگی انسانی و موضوعات کاربردی و عملی کارگشاست و این ابعاد متنوع کلام آن حضرت، نشأت گرفته از روح بلند و شخصیت بی نظیر و چند بُعدی آن پیشوای بزرگ است که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وی فرمود:

«أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بِأَبْهَائِهِ» (۱).

ص: ۸

۱- المستدرک علی الصحیحین ۳/۱۳۷.

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی

خداوند امر و خداوند نهی

که من شهر علمم علیم در است

درست این سخن قول پیغمبر(۱) است

و چنان که خود امیرالمؤمنین ۷ فرمود:

«عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَلْفَ بَابٍ كُلُّ بَابٍ فَتَحَ أَلْفَ بَابٍ»(۲).

رسول خدا - که درود خداوند بر او

و خاندانش باد - به من هزار باب [علم]

ص: ۹

۱- شاهنامه فردوسی، بر اساس چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان ۱/۱۸ و ۱۹.

۲- بصائر الدرجات ۳۲۳.

آموخت، که هر باب آن هزار باب گشود.

بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، به عنوان گامی هر چند کوچک در راستای تکلیف بزرگ «شناساندن کلام و شخصیت علی علیه السلام»، تصمیم بر عرضه درسهایی زندگی ساز از معارف همیشه زنده و الهام بخش نهج البلاغه گرفته است، با این باور که کلام نورانی امیر سخن حضرت علی علیه السلام، در حدّ بالایی الگوی رفتاری، معاشرتی و معیشتی هر مسلمان،

به ویژه نسل جوان است. از این رو عرضه و

ص: ۱۰

انتشار این سلسله درسها با قلمی روان و خلاصه، می تواند چراغ راه و فروغ زندگی باشد.

از حجج اسلام آقایان محمّد جواد نضافت و جواد محدّثی که در «پژوهش» و «نگارش» این سلسله درسها همّت گماشته اند، صمیمانه تقدیر می شود. باشد که این گام و اقدام، زمینه هر چه بیشتر آشنا شدن نسل جوان امروز را با معارف اهل بیت: و کتاب جاودانه نهج البلاغه فراهم آورد.

۱۳ رجب ۱۴۲۵

۹ شهریور ۱۳۸۳

ص: ۱۱

انسان بریده از خدا، مثل آن «نی» است که مولوی از نالیدنش می گوید و شرح درد اشتیاقِ او به پیوستن دوباره به نیستان، و ناله هایش، همه ترسیم پرسوزی از جدایی است و «از جداییها شکایت می کند.»

اگر طاعت و بندگی، انسان را به خدا وصل می کند، عصیان و گناه هم این رشته را

می گسلد و آدمی را از حریم رحمت گسترده پروردگار دور می سازد و سرانجام، او را دوزخی می کند.

ولی... این همه سخن نیست. باز هم می شود رشته عبودیت ما به ربوبیت پروردگار وصل گردد و این نی به نیستان باز گردد. راه آن «توبه» است.

توبه، دریچه ای است باز، فراسوی درهای بسته، روزنه امیدی است در انتهای کوچه یأس و ناامیدی. وقتی سر انسان به سنگ جهالت و غفلت می خورد و در «دام گناه» و «تور شیطان» می افتد و از آدمیت دور

ص: ۱۳

می شود و چهره حیوانی می یابد و دلش سیاه و زندگی اش آلوده و خودش ملعبه هوس می شود، گاهی احساس می کند میان آنچه هست و آنچه باید باشد، دره ای عمیق و فاصله ای بسیار قرار دارد، از خود و خالق خود شرمنده می شود و فکر می کند به آخر خط رسیده و راهی برای بازگشت نیست.

اَمَّا چنین نیست. راه توبه باز است و خداوند دعوتنامه فرستاده و از عاصیان پشیمان خواسته که برگردند. مهم، دریافت این نداست و هشیار بودن. گاهی هم خود خدا زمینه این هشیاری و بیداری را فراهم

می آورد.

شرمنده کرده است مرا تیره کاری ام

یا رب ببخش بر من و بر آه و زاری ام

ترسم که خواب غفلتم آخر کند هلاک

بیدار کن ز خواب و بده هوشیاری ام (۱)

باری... در ادامه تلاش برای آشنایی با معارف نهج البلاغه و جرعه نوشی از حکمت‌های علوی، پای رهنمودهای امیرالمؤمنین علیه السلام می‌نشینیم و با موضوع «توبه» به نهج البلاغه می‌نگریم.

آنچه در این نوشته می‌خوانید، گلچینی

ص: ۱۵

۱- از: حجه الاسلام بهجتی شفق.

است از بوستان معطر سخنان حضرت علی علیه السلام. برای روان تر شدن این نوشته، تبیین و شرح گویایی از جملات نورانی آن حضرت با نثری که بتواند به سادگی حکمت‌های بلند و ژرف نهج البلاغه را برای مخاطبان جوان و دل‌های پاک و مستعد، بیان کند، فراهم آمده است.

شماره خطبه، نامه و حکمتی که در پاورقی آمده، بر اساس نهج البلاغه صبحی صالح است.

امید است که این اثر، ما را با رهنمودهای

روشنگر پیشوایمان علی بن ابی طالب علیه السلام

ص: ۱۶

آشناتر سازد و توفیق «توبه» را برای ما فراهم آورد.

جواد محدّثی

پاییز ۱۳۸۳

ص: ۱۷

بازگشت به فطرت

جلوی ضرر را از هر کجا که بگیرند، سود است.

کسی که مسیر زندگی را بیراهه رفته و به جای عروج و کمال، پیوسته رو به سقوط و تباهی گام برداشته و به جای «فلاح»، در مسیر «خسران» افتاده است، در حال باختن زندگی است و هر لحظه که متوجه این راه

ص: ۱۸

خطا و بن بست شود و به مسیر نورانی و خدایی «فطرت» برگردد، می تواند گذشته سیاه و تباه را هم جبران کند.

توبه، دست یافتن به «خودآگاهی» انسانی است.

توبه، یعنی بازگشت از «عصیان» به «طاعت»، از «فجور» به «تقوا»، از «نسیان و غفلت» به «ذکر و هشجاری»، از «سینات» به «حسنات». چنین بازگشتی، هم آگاهی می طلبد، هم اراده، هم امداد الهی، هم تصمیم جدی انسان، هم ناامید کردن شیطان از وسوسه مجدد برای گناه. پس، توبه تنها

ص: ۱۹

اظهار زبانی نیست، بلکه نفرت قلبی از گناه و اراده جدی بر ترک آن نیز باید باشد.

چون خطر گناه جدی است، پس توبه از گناه هم «واجب فوری» است. اگر فرصت بگذرد و به «مرز بی برگشت» برسیم، از دست توبه هم کاری ساخته نخواهد بود. آن گونه که در قرآن کریم نیز آمده است:

«توبه برای آنان نیست که بدیها را انجام می دهند، تا آنکه چون یکی از آنان را مرگ فرا می رسد، گویند: هم اکنون توبه کردم!...» (۱)

ص: ۲۰

۱- نساء، ۱۸/۴ «وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ...».

مرگ، ناگهان می رسد. کسی از زمان مرگ و چگونگی آن درباره خود خبر ندارد. از این رو پیش از غافلگیر شدن و از دست رفتن مجال، باید حساب را صاف کرد و از گناهان توبه نمود و امروز و فردا نکرد.

امام علی علیه السلام در وصیت خود به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرماید:

«بدان که تو شکار مرگی هستی که گریزنده را از آن رهایی نیست و مرگ، تو را حتماً درخواهد یافت، هشدار که تو را در حال گناه درنیابد، در حالی که با خود از توبه سخن می گفتی، اما مرگ میان تو و توبه فاصله

ص: ۲۱

اندازد و خودت را هلاک کرده باشی!» (۱)

اشک غمی بریز و زجرم و خطا گریز

برخیز و بی ریا به در کبریا گریز

سرگشته تا به کی به بیابان در آفتاب؟

ای خسته دل، به سایه لطف خدا گریز

کی پیکر ضعیف تو را تاب آتش است؟

بر خود ببخش و ز آتش قهر خدا گریز (۲)

اگر به فطرت پاک و الهی خویش برگردیم، راه رسیدن به خدا هموارتر می شود.

ص: ۲۲

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ «وَأَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ...».

۲- سرود سحر، حجه الاسلام بهجتی، ص ۹۱.

توبه، پنجره‌ای رو به رحمت

توبه، یک روزنه امید است.

دریچه‌ای گشوده به رحمت الهی و نقبی به جهان روشنایی و امیدواری است، تا انسان همه راهها را به روی خود بسته نبیند و خود را تباه شده دوزخی و از دست رفته مفلوک نپندارد و بیشتر در تباهی و بدی غرق نشود.

ص: ۲۳

اگر خداوند قول داده است که توبه تَوَّابِينَ را بپذیرد، این بزرگ‌ترین لطف او در حق بندگان و گشودن آن روزنه رو به روشنایی است و اگر فرموده است:

«لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (۱)

«از رحمت خدا ناامید نشوید، خداوند همه گناهان را می‌آمرزد.»

هم امیدواری می‌دهد و هم از نومی‌دی نکوهش می‌کند، چرا که بخشایش الهی بیش از گناه بندگان است و رحمت او پیش از

ص: ۲۴

غضب اوست.

حضرت علی علیه السلام، مشفقانه رحمت و مهربانی خدا را که از جمله در توبه جلوه می کند به یاد انسان خطاکار می آورد و آغوش رحمت الهی را چنین ترسیم می کند:

«به یادآور، آن گاه که تو از او روی گردان

می شوی او به تو روی می آورد، تو را به عفو خویش فرا می خواند و در دریای احسانش غرق می کند، اما باز هم از او روی برمی گردانی و سراغ دیگری می روی، او چه بزرگوar و نیرومند است و تو چه ناتوان! چه چیزی تو را بر نافرمانی گستاخ می سازد؟ در حالی که پیوسته در سایه رحمت و حمایت او به سر

ص: ۲۵

می بری و او پرده پوشی می کند و تو از لطف او برخورداری و چشم برهم زدنی نگاه لطفش را از تو دریغ نمی کند و آبرویت را نمی برد! حال، اگر اطاعتش کنی با تو چه مهربانی و لطفی خواهد داشت!...»(۱)

انسان به امید زنده است و مسیر تکاملی را در زندگی با دو بال «بیم و امید» طی می کند. اگر از رحمت و مغفرت مأیوس گردد دست به همه جنایتها می زند. وقتی امید نجات و روزنه رهایی و رستگاری نباشد،

ص: ۲۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳ «وَتَمَثَلُ فِي حَالِ تَوَلِّيكَ عَنْهُ إِقْبَالُهُ عَلَيْكَ، يَدْعُوكَ إِلَى عَفْوِهِ وَيَتَغَمَّدُكَ بِفَضْلِهِ وَأَنْتَ مُتَوَلِّئٌ عَنْهُ إِلَى غَيْرِهِ...».

از هیچ گناهی فروگذار نمی کند. این است رمز اینکه «یأس از رحمت الهی» از گناهان کبیره است.

باز آی، باز آی، هر آنچه هستی باز آی

گر کافر و گبر و بت پرستی، باز آی

این در گه ما در گه نومیدی نیست

صد بار اگر توبه شکستی، باز آی

اگر کسی بگوید: کار از کار گذشته و مرا راه بازگشت نیست، در باتلاق گناه بیشتر فرو می رود. خداوند، از روی مهر به بنده اش، او را دعوت به توبه می کند، به دل او می اندازد که برگردد، گاهی

ص: ۲۷

غمگینش می سازد که به فکر افتد و از غفلت درآید، گاهی مبتلایش می سازد که رویکردش به خدا بیشتر شود و به خود آید، گاهی مبتلایان و گرفتاران را سر راه او قرار می دهد تا تکان بخورد و بر گردد. این زمینه سازیهای الهی برای توبه انسان، جلوه های دیگری از رحمت اوست، تا انسان از اسارت نفس و شیطان رها شود.

به تعبیر حضرت امیر علیه السلام:

«فَتَحَّ لَكَ بَابُ الْمَتَابِ» (۱).

ص: ۲۸

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ وصیت حضرت به امام حسن علیه السلام.

خداوند، در توبه و بازگشت را به رویت گشوده است.

آدم که در بهشت با وسوسه ابلیس لغزید و از بهشت اخراج شد، خدای متعال هم راه توبه را به رویش گشود، هم کلمه توبه را به او آموخت و هم وعده بازگشت به بهشت به او داد. (۱)

مگر می شود گنهکار، از صمیم دل و با نیت راستین و خالص به سوی خدا برگردد و خداوند در به رویش ببندد و او را نپذیرد؟

ص: ۲۹

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱ «ثُمَّ بَسَطَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَهُ فِي تَوْبَتِهِ وَلَقَاءِ كَلِمَةِ رَحْمَتِهِ وَوَعْدَهُ الْمَرْدِّ إِلَى جَنَّتِهِ...».

امام علی علیه السلام می فرماید:

«وَلَمَّا أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزِلُ بِهِمُ النَّقْمُ وَتَزُولُ عَنْهُمْ النَّعْمُ، فَزِعُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَوَلَّهِ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرَدِّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلُّ فَاسِدٍ» (۱).

اگر مردم، آن گاه که انتقام و عذاب الهی بر آنان فرود می آید و نعمتها از دستشان می رود، با نیتهای صادقانه و اشتیاق قلبی به درگاه پروردگارشان روی آورند، باز هم خداوند نعمتهای از دست رفته را به آنان بر می گرداند و تباهی کارشان را اصلاح و

ص: ۳۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸.

ترمیم می کند. آیا توبه بنده، زمینه ساز گشایش پنجره ای رو به رحمت الهی نیست؟

گناه، هر چند زیاد باشد، لطف و کرم خدا بیشتر است. رابطه با خدا را باید براساس وسعت کرم و گستردگی رحمت او برقرار ساخت.

وقتی همه درها به روی انسان بسته شود، آغوش رحمت الهی به روی عاصیان گشوده است.

اما به شرط آنکه این «بازگشت»، واقعی و

جدی باشد! چیزی که در

ص: ۳۱

فرهنگ دینی از آن به «توبه نصوح» یاد می شود، ندامت واقعی

و عزم استوار!

ص: ۳۲

حقیقت توبه

توبه «لفظ» نیست، بلکه «عمل» است. «قول» نیست، بلکه «فعل» است.

وقتی کسی به زشتی گناه آگاه می شود و از خطاهای گذشته پشیمان می گردد و تصمیم بر عدم تکرار آن می گیرد و در جبران و تدارک ضایعات گذشته می کوشد، اینجا یک توبه واقعی تحقق یافته است. اگر

ص: ۳۳

در روایات، توبه همان پشیمانی دانسته شده، از آنجاست که ندامت، به عمل می انجامد.

تا کسی «پشیمان» نشود، تصمیم بر «ترک گناه» نمی گیرد و تا حالت «ندامت» برای گناهکار حاصل نشود، تصمیم جدی برای اصلاح خویش و جبران گذشته نخواهد داشت. پس ندامت، یک عنصر اساسی در تحقق توبه است، پوزش خواهی و استغفار، مرحله ای از آن است و جبران گذشته، مرحله ای دیگر.

در آیات قرآن، معمولاً توبه همراه با

ص: ۳۴

اصلاح، عمل صالح، تبیین و... بیان شده است، مثل آیه «وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا...»^(۱)، یا آیه «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَيَتُوبُوا...»^(۲).

در نهج البلاغه، برای توبه مراتب شش گانه بیان شده که حقیقت توبه را نشان می دهد. کسی در حضور امیرالمؤمنین[ؑ] علیه السلام گفت: «استغفر الله».

حضرت بر آشفت و به او فرمود:

«می دانی استغفار چیست؟ استغفار، درجه انسانهای والاست، کلمه ای است که برشش

ص: ۳۵

۱- فرقان، ۲۵ / ۷۱.

۲- بقره، ۲ / ۱۶۰.

معنی و مرتبه گفته می شود: ۱ - پشیمانی از گذشته؛ ۲ - تصمیم بر ترک گناه برای همیشه؛ ۳ - پرداختِ حقوق مردم و حلالیت خواستن از آنان؛ ۴ - پرداختن به انجام واجبات الهی که فوت شده است؛ ۵ - گوشتی را که از حرام بر بدنت رشد کرده، ذوب کنی تا گوشت تازه بروید؛ ۶ - چشاندنِ سختی طاعت به جسم، همان گونه که لذت گناه را چشیده است، در آن هنگام بگویی: «استغفر الله». (۱)

این کلام علوی نشان می دهد که توبه و استغفار، صرفاً امری زبانی و ظاهری

ص: ۳۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷.

نیست و حتی تنها نفی هم نیست، بلکه اثبات هم هست. تنها دست کشیدن از کار بد نیست، بلکه جنبه اثباتی و کارهای جبرانی هم دارد. باید با «حسنات»، گناهان را پوشاند و با پرداخت حقوق مالی دیگران و ادای واجبات الهی و جبران حق تزییع شده مردم و اهانتها و غیبتها و افتراها، زمینه آمرزش الهی را فراهم ساخت.

به هر حال، شرط نخست و گام اول آن است که انسان به حدی از خودآگاهی و بصیرت و بیداری دست یابد که از زشتی عمل خود به مرحله ندامت برسد. اگر در دل

پشیمانی حاصل نشود و همچنان علاقه به گناه و اراده معصیت باشد، توبه ظاهری و استغفار زبانی دردی را دوا نمی کند و بار انسان را سبک نمی سازد. در احادیث است:

«کسی که استغفار می کند، اما در دل تصمیم بر گناه دارد، همچون کسی است که استغفار را به مسخره گرفته است.»

خوابها در پرده دارد دیده بیدار ما

از ته دل نیست در میخانه استغفار ما

سَبَّحَه بر کف، توبه بر لب، دل پر از ذوق گناه

معصیت را خنده می آید ز استغفار ما

ص: ۳۸

گناه، هم دل را تیره می کند، هم بار را سنگین می سازد، هم حرکت در مسیر کمال و پرواز در فضای معنویت را کند می کند. با توبه، دل روشنایی خود را باز می یابد، بار سنگین گناهان از دوش بر زمین می افتد و موانع پرواز برطرف می شود. مثل پرنده ای که در آب افتاده و امکان پروازش نیست،

باید بال و پرش خشک شود تا بتواند دوباره پرواز کند.

توبه، گشودن قید و بندهای سنگین از پای بندگی است، تا بتوان راه را ادامه داد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ: رَجُلٍ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَ رَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ» (۱).

در دنیا خیری نیست مگر برای دو نفر: یکی آن که گناहانی مرتکب شده، آن را با توبه جبران می کند، دیگری آن که در نیکیها پیشقدم

ص: ۴۰

۱- نهج البلاغه، حکمت ۹۴.

و کوشاست.

توبه، فرصتی برای جبران است و اگر کسی از این مهلت و فرصت بهره نگیرد، کوتاهی از خود اوست، چون راه برای تدارک باز بوده و خدا هم برای آن دعوتنامه فرستاده است و هیچ کس را هم از ورود به قلمرو توبه باز نداشته است.

در کلام دیگری از آن حضرت چنین می خوانیم:

«اگر بد کرده باشی، خداوند تو را از توبه منع نمی کند و فوری به کیفر نمی رساند و اگر برگردی، سرزنشت نمی کند و آنجا هم که شایسته رسوا شدنی رسوایت نمی کند و در

ص: ۴۱

پذیرش توبه ات سختگیری نمی کند و از رحمت ناامیدت نمی سازد. در توبه و عذرخواهی را به روی تو باز گذاشته است.»^(۱)

در کلام دیگری فرموده است:

«ما أَهَمَّنِي ذَنْبٌ أُمِهَلْتُ بَعْدَهُ حَتَّى أُصَلِّيَ رَكَعَتَيْنِ وَأَسْأَلَ اللَّهَ - الْعَافِيَةَ.»^(۲)

گناهی که پس از آن، به اندازه ای مهلت داشته باشم که دو رکعت نماز بخوانم و از خداوند، عافیت بطلبم، مرا اندوهگین نمی سازد و برایم مهم نیست.

ص: ۴۲

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱ «لَمْ يَمْنَعَكَ إِنْ أَسَأْتَ مِنَ التَّوْبَةِ وَلَمْ يُعَاجِلْكَ بِالتَّقْمِهِ...».

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۹۹.

معنای این سخن آن است که مهلت توبه و آمرزش خواهی از خدا، زمینه زدودن آثار گناه و پاک کردن پرونده عمل از تباهی و سیاهی و رها شدن از پیامدهای معصیت است و دریغ که از این فرصت، بهره برده نشود تا زمان بگذرد و درها بسته گردد!

خوشا به حال آنان که از «مهلت جبران» استفاده می کنند. حضرت علی علیه السلام در بخشی از نامه اش به عثمان بن حنیف می فرماید:

«خوشا به حال آنان که شبها برای عبادت از بسترها فاصله می گیرند، لبهایشان به ذکر پروردگارشان گویاست و گناهانشان با استغفارهای طولانی شان زدوده می شود:

ص: ۴۳

«و هَمَّهَتْ بِدِكْرِ رَبِّهِمْ شِفَاهُهُمْ وَتَقَشَّعَتْ بِطُولِ اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبُهُمْ» (۱).

گاهی تأمل در سرگذشت پیشینیان و عبرت از سرنوشت شوم و تلخ اهل معصیت، درسی برای زندگی و راهی برای جبران گذشته است، تا انسان در کام هوسها و آرزوهای دور و دراز نماند و از گذشته دیگران عبرتی برای آینده خویش بگیرد و با چراغی روشن، راه باقیمانده را طی کند.

امیرمؤمنان علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«آیا ندیدید آنان را که آرزوهای دراز داشتند،

ص: ۴۴

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

کاخ می ساختند و ثروت می اندوختند، چگونه خانه هاشان تبدیل به گور شد و آنچه جمع کرده بودند تباه گشت و ثروت‌هایشان به وارثان رسید و همسرانشان به همسری دیگران درآمدند، نه در حسنات می افزودند و نه از بدیها توبه می کردند!»(۱).

و می فرماید:

«آنان که پیش از شما بودند، به سبب آرزوهای دراز و غفلت از اجل هلاک شدند، تا آنکه مرگشان رسید، مرگی که با فرا رسیدنش نه عذری پذیرفته است و نه توبه ای

ص: ۴۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲ «أَمَّا رَأَيْتُمُ الَّذِينَ يَأْمُلُونَ بَعِيداً وَيَبْنُونَ مَشِيداً...».

تا نفس می آید و عمر باقی است و فرصت انتخاب از دست نرفته، باید کوتاهیها و بیراهه رفتنهای گذشته را جبران کرد.

ص: ۴۶

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷ «إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِطُولِ آمَالِهِمْ...».

آثار گناه، آثار توبه

خداوند، نظام هستی را بر پایه تأثیر و تأثر و علل و اسباب قرار داده است. همچنان که برخی غذاها و نوشیدنیها برای بدن و سلامتی زیانبار است و برخی مداواها و پرهیزها سلامتی و بهبود جسمی به دنبال دارد، برخی رفتارها و اعمال هم اثرات مخرب بر روح و روان و شخصیت و اخلاق

ص: ۴۷

و زندگی فردی و اجتماعی بر جای می گذارد، اعمالی هم هست که نقش اصلاحی و بهسازی دارد. یعنی روح و روان و اخلاق هم در چهارچوب یک سری از علل و اسباب، دچار تغییر می شود. گناه و توبه از این قبیل است.

گناه، دل را تیره و پرورنده عمل را سیاه و انسان را بدبخت و جهنمی می سازد. توبه، نورانیت و سعادت و بهشت می آورد. آن خراب می کند و این می سازد، آن نعمتها را می گیرد و این نعمت را تداوم می بخشد. آن موجب خشم خداست و این وسیله رضای

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«هرگز قومی در وضع خوب و زندگی مرفّه و نعمت سرشار نبودند که نعمتها از آنان گرفته شود، مگر به خاطر گناहانی که مرتکب شدند، چرا که خدا به بندگان ستم نمی کند. اگر آن گاه که عذاب و کیفر الهی بر مردم فرود می آید و نعمتها از ایشان گرفته می شود، صادقانه، با نیتهای درست و دلهای مشتاق به درگاه خدایشان روی آورند، باز هم خداوند، نعمتهای از دست رفته را به آنان

پس گناه، سلب نعمت می کند و توبه دوباره آن را برقرار می سازد. گاهی هشدارهای الهی برای بیدار کردن انسان از راه پیشامدهای ناگوار است، تا رمز و راز بدبختی و بلا را بفهمد و به راه راست آید و توبه و اصلاح کند. امیرمؤمنان در این باره می فرماید:

«خداوند بندگانش را هنگام ارتکاب کارهای بد، با کاهش ثمرات و زوال برکات وبسته

ص: ۵۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸ «مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ...».

شدن در گنجینه های خیر امتحان می کند، باشد که توبه کننده ای باز گردد و خطاکاری دست از گناه بکشد و پندآموزی عبرت بگیرد. خداوند، استغفار را وسیله سرشار شدن روزی و مایه رحمت به خلق قرار داده و فرموده است: استغفار کنید که خدا آمرزنده است، تا آسمان را بر شما بیاراند و با اموال و فرزندان و باغها و نهادهای جاری، شما را امداد و یاری کند. پس رحمت خدا بر کسی که روی به توبه آورد و از خطایش معذرت بخواهد» (۱).

ص: ۵۱

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳ «إِنَّ اللَّهَ - يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ تَائِبٌ وَيُقْلِعَ مُقْلِعٌ وَيَتَذَكَّرَ مُتَذَكِّرٌ...».

بهره گیری از توبه، قرار گرفتن در چرخه رحمت الهی و بهره مندی از برکات آن است. چرا نباید از آن بهره گرفت؟ به تعبیر حضرت امیر علیه السلام:

«در روی زمین دو امان وجود داشت که جلوی عذاب فراگیر الهی را نسبت به مردم گنهکار می گرفت: یکی وجود مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و دیگری استغفار. آن امان که برداشته شد، پیامبر رحمت بود که از میان شما به جوار خدا رفت، اما امان باقی مانده، «استغفار» است، پس به آن چنگ زنید و از آن بهره مند شوید. خداوند فرمود: ای پیامبر، تا تو در میان این امتی خداوند عذابشان نمی کند

ص: ۵۲

و تا استغفار و توبه می کنند، خداوند عذابشان نمی کند.» (۱)

البته مقصود، عذاب عمومی و نابود کننده در دنیاست که در امت‌های گذشته سابقه داشته و به خاطر عملکرد زشت و گناهانشان عذابهایی چون صاعقه آسمانی، سیل، زلزله و طوفان می آمد و همه را از بینمی برد و قرآن نمونه های متعددی از آنها را نقل کرده است.

ص: ۵۳

۱- نهج البلاغه، حکمت ۸۸ «كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانٌ مِنَ عَذَابِ اللَّهِ وَ قَدْ رُفِعَ أَحَدُهُمَا فَعُدُّونَكُمْ الْآخِرَ فَتَمَسَّكُوا بِهِ، أَمَّا الْأَمَانُ الَّذِي رُفِعَ فَهُوَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالِاسْتِغْفَارُ...».

پس نه از پیامدهای گناه که دامنگیر بشر می شود باید غفلت داشت و نه از آثار ترمیمی و اصلاحی و جبرانی توبه باید ناامید بود. حوادث طبیعی و بلاهای ناگهانی همیشه خشم طبیعت نیست، بلکه گاهی هشدار الهی و تازیانه تنبیه خداوند است. در قرآن می خوانیم:

«فساد، در خشکی و دریا (در همه جا) آشکار شده، به خاطر عملکرد انسانها، تا کیفر بخشی از کارهایشان را به آنان بچشانند، بلکه

برگردند»(۱).

ص: ۵۴

۱- روم، ۳۰/۴۱ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ».

متأسفانه امروز در هنگام وقوع زلزله، سیل و حوادث بزرگ و ویرانگر، بیشتر نگاهها مادی و سطحی است و صحبت از محکم سازی ساختمانها و احداث سدّ و سیل بند و پیشگیریهای فیزیکی است، که البته در جای خود درست است و لازم، ولی نباید غافل بود که زمین و آسمان و دریا و باد و هوا همه به فرمان خدایند و از خود اراده ای ندارند و گاهی حکمت الهی

ایجابمی کند که با بلایای طبیعی انسانها را متوجه اشتباهاتشان کند، بلکه به مسیر فطرت و راه

خدا برگردند و از عصیان و طغیان دست بردارند.

در دعای کمیل که از سخنان حضرت علی علیه السلام است، توبه و استغفار به درگاه خداوند از گناहانی است که بلا نازل می کند، نعمتها را دگرگون می سازد، مانع استجاب دعا می شود، پرده ها را می برد و انتقام الهی را در پی دارد. (۱)

توبه می تواند از این گونه عواقب و فرجامهای تلخ جلوگیری کند.

ص: ۵۶

۱- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ...».

چرا تأخیر؟...

جوان توبه کار، نزد خداوند عزیز است. توبه هم تنها برای سالخوردگانی که آفتاب عمرشان لب بام است نیست. تأخیر انداختن توبه آفاتی دارد. گاهی غفلت، توبه را از یاد انسان می برد. گاهی مرگ ناگهانی مجالی برای توبه نمی گذارد. گاهی افزایش گناهان و سنگین شدن بار معصیت، توبه را برای

ص: ۵۷

گنهکار، «نشدنی» می سازد. تضمینی هم نیست که به پیری برسیم و آن گاه توبه کنیم.

چند گویی که به پیری رسم و توبه کنم؟

چه کنی گر به جوانی به لحد(۱) در مانی؟

امیرالمونین علیه السلام می فرماید:

از کسانی مباش که بدون عمل، به آخرت امیدوارند و با آرزوهای دور و دراز، توبه را به تأخیر می اندازند: «لَا تُكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو
الْآخِرَةَ بِغَيْرِ الْعَمَلِ وَيُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ...» (۲).

اگر در سلامتی، نشاط، هشیاری و فراغت

ص: ۵۸

۱- گور.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

به فکر توبه نباشیم و اگر افزایش گناهان، غفلت و فرو رفتن در باتلاق گناه، سیه دلی و قساوت قلب سبب شود انسان توفیق بازگشت نیابد و فرصت توبه از دست برود، حسرت‌های بعدی قابل جبران نیست.

به فرموده حضرت علی علیه السلام با آمدن مرگ، توبه برداشته می شود و در توبه بسته می شود. می فرماید:

«عمل کنید! هم اکنون نشانه ها بر پاست و راه، شما را به سرای ایمنی فرا می خواند و اکنون مهلت و فرصت و فراغت دارید، پرونده اعمال هنوز گشوده است و قلمها جاری، بدنها

تندرست است و زبانها باز، و توبه هم مورد

ص: ۵۹

پذیرش است و عملها مقبول!...»(۱).

این سخن هشدار است بر اینکه ممکن است روزی برسد که نه توانایی کار نیک و ترک گناه را داشته باشید و نه حتی زبانتان به استغفار بچرخد و پرونده هم بسته شده باشد و توبه را نپذیرند. پس، چرا تأخیر؟

در جای دیگر فرموده است:

«ای بندگان خدا، هم اکنون که طناب مرگ بر گردنهای شما محکم نشده و روحتان آزاد

و بدنها در آسایش است، هنوز که فرصت باقی

ص: ۶۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۴ «إِعْمَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ عَلَى أَعْلَامٍ بَيِّنَةٍ...».

است و مهلت توبه برجاست و راه بازگشت باز است، برگردید و توبه کنید، پیش از آنکه راه نفس تنگ شود و آن مرگ فرا رسد و شما در چنگ خدای مقتدر گرفتار آید...» (۱).

از کارهای شیطان، آن است که انسان را وسوسه می کند و از توبه باز می دارد، تا وقت بگذرد و آدمی جهنمی شود. اگر کسی توفیق توبه نیابد، برای ابد حسرت خواهد خورد و در آتش ندامت و آتش دوزخ

خواهد سوخت که چرا توبه نکردم؟ چرا برنگشتم؟

ص: ۶۱

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۳ «الآن عباد الله والخناق مهمل...».

چرا دیر متوجه شدم؟

بابا طاهر گوید:

مکن کاری که بر پا سنگت آید

جهان با این فراخی تنگت آید

چو روزی نامه خوانان نامه خوانند

تو را از نامه خواندن ننگت آید

حضرت امیر علیه السلام می فرمود:

«أَفَلَا تَأْتُبُ مِنْ حَاطِيَّتِهِ قَبْلَ مَمِيَّتِهِ؟» (۱)

آیا کسی نیست که پیش از فرا رسیدن مرگش توبه کند؟ سوگندی که شیطان برای فریب آدم

ص: ۶۲

خورده است، در قالبهای گوناگون بروز می کند. دلبستگیها، آرزوها، آمال خیالی، از راه به در کردنها و فریبکاریهای اقتصادی از آن جمله است. (۱) شیطان مومن را در آرزو و امید توبه نگه می دارد تا آن را عملی نسازد و وقت بگذرد. هم گناه را در نظرش خوب جلوه می دهد، هم او را از توبه باز می دارد. حضرت علی علیه السلام به این نیرنگ شیطانی اشاره دارد، آنجا که می فرماید: «والشیطان مُوَكَّلٌ به، يُرِيِّنُ لَهُ الْمَعْصِيَةَ

ص: ۶۳

۱- نساء ۴/۱۱۹ «وَلَا ضَلَّيْنَهُمْ وَلَا مَنِّينَهُمْ وَلَا مَرَنَّهُمْ...».

لیر کبها، وِیْمَنِّیْهِ التَّوْبَهُ لِيَسُوْفَهَا»(۱).

شیطان بر انسان گماشته شده است، گناه را در نظرش می آراید تا آن را مرتکب شود و او را به امید توبه نگه می دارد تا توبه را به تأخیر اندازد.

واژه «تسویف» که در این سخن به کار رفته، یعنی «سوف گفتن»، بعداً، بعداً. و اینکه: حالا کو تا مرگ؟ بعداً توبه می کنم و خدا غفار است...

ص: ۶۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۶۴.

توبه از چه؟

گناهان یا کوچک اند یا بزرگ، یا در ارتباط

با خدای اند و حق الله، یا در ارتباط با مردم اند و حق الناس، یا امور فکری و اعتقادی اند، یا مسائل اخلاقی، یا عبادی اند یا اقتصادی، به هر حال، ارتکاب هر گناه و ترک هر واجب، نافرمانی خداوند است و عامل دوری از خدا. باید از همه خطاهای ریز و درشت توبه کرد،

ص: ۶۵

تا با حسابی صاف و روشن وارد صحرای محشر شد. اگر با کوله باری سنگین از معصیتها از دنیا برویم، هم حسابرسی دشوار و سنگینی در روز قیامت خواهیم داشت و هم با عذاب الهی رو به رو خواهیم شد. توبه می تواند جواز عبور ما در قیامت باشد، و گرنه در ایستگاههای بازرسی آخرت، گرفتار خواهیم شد و برای گناهان مورد مؤخذه قرار خواهیم گرفت.

با بارِ گنه زدام جستن نتوان

دژبانیِ حشر را گذشتن نتوان

ص: ۶۶

روزی است که بی برگ تردّد به بهشت

آن سوی پل صراط رفتن نتوان

امام علی علیه السلام در نهج البلاغه برخی گناهان را بر می شمرد که حتماً باید از آنها توبه کرد، تا در کوله بار آخرت ما چیزی از آنها یافت نشود، وگرنه دچار مشکل خواهیم شد. می فرماید:

«از حکمهای قطعی خداوند در قرآن که بر پایه آن پاداش می دهد و عقاب می کند و راضی می شود یا خشم می گیرد، این است که: هیچ بنده ای را (اعمالش) سودی نمی دهد - هر چند تلاش بسیار کند و کار خود را خالص سازد - اگر در حالی از دنیا برود و

ص: ۶۷

پروردگارش را ملاقات کند که یکی از این گناهان بر گردن او باشد و از آن توبه نکرده باشد:

- در عبادت واجب که تکلیف الهی است، برای خدا شریک قرار داده باشد.

- با کشتن انسانی خشم خود را فرونشانده باشد.

- دیگران را به خاطر کارهایشان عیبجویی کرده باشد.

- یا با دو رویی با مردم برخورد داشته باشد.

- یا با دو زبان (و با سخن چینی) میان مردم رفت و آمد کند.

اینها را نیک دریاب، که نمونه ای برای امثال

ص: ۶۸

یعنی گناهان یاد شده (شرک، قتل، عیبجویی، دورویی، نفاق و تمامی) نمونه ای از گناهان است که عوارض سوء دارد و باید از آنها توبه کرد و بدون توبه، پرونده محاکمه انسان در روز حساب سنگین خواهد بود.

ظلم در حق دیگران یا در حق خود نیز از گناهانی است که حضرت علی علیه السلام توبه از آنها را لازم می شمرد و همچنین شرک را

ص: ۶۹

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۳ «إِنَّ مِنْ عَزَائِمِ اللَّهِ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ، الَّتِي عَلَيْهَا يُثِيبُ وَيُعَاقِبُ...».

بهعنوان ظلمی معرفی می کند که آمرزیده نمی شود: «فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُعْفَرُ فَالْشُّرْكُ بِاللَّهِ».

و آن ظلم که به خاطر آن انسان را رها نمی کنند و مورد بازخواست قرار می گیرد، ستمی است که مردم به یکدیگر کرده اند: «وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يُتْرَكُ فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضُهُمْ بَعْضًا» (۱) و می فرماید: قصاص و کیفر در این مورد بسیار سخت و دشوار است و تقاص و مؤخذه در قیامت در مورد ظلمهایی که به مردم شده، مثل جراحت چاقو یا ضربت

ص: ۷۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

شلاق نیست، بلکه بسیار سخت تر از اینهاست. در ادامه سخن، افراد را بر حذر می دارد از اینکه به عیبجویی از دیگران پردازند و تفرقه ایجاد کنند و رنگ به رنگ شوند و توصیه می فرماید:

خوشا به حال آن که عیبهای خودش او را از عیبجویی دیگران باز دارد، خوشا به حال آن که در خانه اش بنشیند و روزی خود را بخورد و به طاعت پروردگارش مشغول باشد و بر گناهان خودش گریه کند.

نباید هیچ گناهی را کوچک شمرد و گفت: کاش گناه من همین بود، که خود این گناهی بزرگ است و سبک شمردن عظمت خدا و

قداست فرمانهای اوست. امام علی علیه السلام فرمود:

«لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ» (۱).

هیچ یک از شما، جز به پروردگارش امیدوار نباشد و جز از گناهش نترسد!

ص: ۷۲

۱- نهج البلاغه، حکمت ۸۲.

موانع توبه

قرار گرفتن سر دو راهی «عقل و نفس» و تصمیم بر حرکت بر مدار عقل و پا گذاشتن روی خواسته های نفس، «اراده» می طلبد.

اگر انسان از فزیت و رسوایی زشتکاریها و گناهانی که در دنیا یا آخرت دامنگیر او می شود، اطلاع کافی داشته باشد و روز قیامت را «روز رسوایی بزرگ» برای

ص: ۷۳

گنهکاران بدانند، راحت تر می توانند برای توبه تصمیم بگیرند و اگر انسان به زودگذر بودن فرصت عمر توجه کند، توبه را به تأخیر نمی اندازد. چند چیز مانع توبه می شود:

۱ - یکی از موانع توبه، «آرزوهای طولانی» است. کسی که تصوّر می کند تا مدّتهای زیادی در دنیا خواهد بود و در آینده وقتی مناسب برای توبه خواهد داشت، ناگهان با پایان فرصت رو به رو می شود. حضرت علی علیه السلام هشدار می دهد که:

از آنان نباشید که با آمال و آرزوهای دور و

ص: ۷۴

دراز، توبه را تأخیر می اندازند. (۱)

۲ - «لذت گناه»، عامل دیگری برای ترک توبه است. اما اگر انسان بداند که لذت‌های گذرا و موقتی، عذاب‌های ابدی در پی دارد و هر نوشی، نیشی خواهد داشت، از آن لذت شیطانی می گذرد و در مسیر طاعت و بندگی گام بر می دارد. در نهج البلاغه می خوانیم:

«شَتَانٌ مَا بَيْنَ عَمَلَيْنِ: عَمَلٍ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَتَبْقَى تَبِعَتُهُ، وَعَمَلٍ تَذْهَبُ مَوْنَتُهُ وَيَبْقَى

ص: ۷۵

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰ «وَيُرْجَى التَّوْبَةَ بِطُولِ الْأَمَلِ».

چقدر فاصله است بین دو کار: کاری که لذتش از بین می رود، اما پیامدهای بد آن باقی است، و عملی که رنج و مشقت آن می رود، ولی پاداش آن ماندگار است.

آن حضرت می فرماید:

اطاعت الهی و انجام واجبات برای انسان سخت است، ولی ارتکاب گناه برای او

خوشایند و دوست داشتنی است، رحمت خدا بر کسی که از هوسرانی دست بکشد و هوای نفس خود را سرکوب کند. (۲)

ص: ۷۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ «ما من طاعة لله شئ إلا يأتي في كرهه وما من معصية لله شئ إلا يأتي في شهوه، فرجم الله امرءاً نزع عن شهوته وقمع هوى نفسه».

۳- ناآگاهی از زشتی گناه، عامل دیگری در ترک یا تأخیر توبه است. فریب شیطان چنان اثر می‌کند که گنهکار، بدی گناه را نمی‌فهمد، بلکه آن را زیبا می‌بیند. آنان که از عوارض سوء و زیانهای جسمی یک خوراکی بی‌اطلاع‌اند، گاهی با حرص و ولعی شگفت‌آور آن را می‌خورند، یا آن که از ضررهای دود سیگار برای بدن بی‌اطلاع است، از سیگار کشیدن لذت هم می‌برد، در حالی که با این کار، تندرستی خود را به باد

می دهد. زیان گناه بر روح و روان و شخصیت و سعادت انسان نیز چنین است. چه جاهل اند آنان که در منجلاب گناه غرق اند، اما از آن لذت هم می برند و به فکر نجات خود با توبه نیستند.

۴ - عامل دیگر، کوچک شمردن گناه است، وقتی معصیت نسبت به خالق بزرگ صورت می گیرد، کوچک و بزرگ ندارد. اینکه در روایات، کوچک شمردن گناه از گناهان بزرگ به شمار آمده است به همین جهت است که نشان غفلت از عظمت خالق است.

ص: ۷۸

امام علی علیه السلام می فرماید:

«أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ» (۱).

شدیدترین گناهان، گناهی است که صاحبش آن را ناچیز شمرد.

کسی که یک غده خطرناک و مهلک را که کوچک و ناپیداست، دست کم بگیرد به فکر درمان هم نمی افتد و عاقبت هلاک می شود. گناهان، غده های روح اند که باید هر چه سریع تر آنها را با جراحی درمان کرد، تا سلامتی کلی در معرض خطر قرار نگیرد.

ص: ۷۹

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۸.

۵ - یأس از رحمت الهی و نجات، از عوامل دیگر ترک توبه است. آنان که می‌پندارند دیگر اصلاح شدنی نیستند، به فکر توبه هم نمی‌افتند. مثلاً بیمارانی که خود را لاعلاج می‌دانند و بیماری خود را بی‌درمان می‌پندارند، به فکر مداوا نخواهند افتاد. امید به رهایی از چنگ شیطان و گناه و بازیافتن سلامت روحی و سعادت انسانی، زمینه ساز توبه است. آن همه تشویق به توبه و وعده مغفرت و عفو الهی که در متون دینی است، برای زدودن این یأس است.

در سخنی از امیرمؤمنان علیه السلام چنین آمده

ص: ۸۰

است:

«مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الإِجَابَةَ، وَمَنْ أُعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ وَمَنْ أُعْطِيَ الإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ» (۱).

به کسی که دعا داده اند، از اجابت محروم نمی شود، به کسی که توبه داده اند، از پذیرش توبه محروم نمی شود، به کسی هم که استغفار داده اند، از آمرزش محروم نمی گردد.

مگر می شود خدا به کسی وعده آمرزش دهد و او را به توبه فرا بخواند، اما وقتی بنده ای از گناهانش توبه کرد و پشیمان شد،

ص: ۸۱

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۳۵.

خدا او را ردّ کند؟

در سخن دیگری از آن حضرت می خوانیم:

«چنین نیست که خدا در شکر را به روی بنده ای باز کند ولی در افزایش نعمت را ببندد، یا در دعا را به روی بنده بگشاید، اما در اجابت را ببندد، یا در توبه را به روی بنده باز کند ولی باب آمرزش را به رویش بسته دارد.»^(۱)

۶- عامل دیگر، غرور و سرگرانی و تکبر

ص: ۸۲

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۵ «... وَلَا لِيَفْتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ التَّوْبَةِ وَيُعَلِّقَ عَنْهُ بَابَ الْمَغْفِرَةِ».

است. به هر حال، در توبه پشیمان شدن و ابراز پشیمانی و اظهار نیاز و درماندگی و درخواست عفو و بخشایش و تعهد به ترک گناه است. افراد مغرور، مثل ابلیس که تکبر ورزید و مطرود شد، به سختی حاضرند این گونه فروتنی و خاکساری و اظهار ندامت و طلب عفو از خود نشان دهند. این نیز از دامهای شیطان است تا انسان را در باتلاق گناه نگاه دارد. امام توصیه می کند که از سرگذشت دیگران پند بگیرید و به خود آید و به خدا روی آورید:

«اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ وَبَقَاءَ التَّبَعَاتِ» (۱).

یاد آورید که لذتها تمام می شود، اما آثار و عواقب آن باقی می ماند!

به هر حال، با این همه زمینه های رحمت و پذیرش و آمرزش و وعده مغفرت و امیددادن به گنهکارانِ تائب، «گر گدا کاهل بود تقصیر صاحبخانه چیست؟»

حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

«عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ» (۲).

ص: ۸۴

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۳.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۸۷. در شگفتم از کسی که مأیوس می شود، در

حالی که استغفار را همراه خود دارد!

افراد با اراده و صاحبان آگاهی و عزم، با غلبه بر این موانع، در راه بندگی قرار می گیرند و شیطان را از تسلط بر خودشان ناکام و محروم می کنند.

ص: ۸۵

راهی آسان تر از توبه

این نکته حکیمانه که «پیشگیری بهتر از درمان است»، در مسائل اخلاقی و تربیتی هم درست است. اگر کسی در نتیجه بی توجهی و ناپرهیزی و عدم مراقبت از سلامتی خود، به بیماری و دردی مبتلا شد، راه حلش مراجعه به پزشک و درمانگاه و مداواست. اما گاهی درمان اثر نمی کند،

ص: ۸۶

گاهی معالجه بسیار گران تمام می شود، گاهی پس از بهبود باز هم آثار و عوارض آن برای همیشه یا تا مدتی باقی می ماند.

راه بهتر، مراعات اصول بهداشتی و پیشگیری است، که هم راحت تر است، هم کم خرج تر و هم بدون عارضه.

درست است که خدای مهربان، گناهکاران را در بن بست قرار نداده و دری به نام توبه به رویشان باز کرده و آنان را به توبه فرا خوانده است، ولی آیا همه اهل معصیت، به این آگاهی می رسند که بد کرده اند و باید توبه کنند؟ آیا دعوت یا هشدار الهی،

ص: ۸۷

غفلت زدگان گنهکار را بیدار می کند؟ آیا شیطان به این راحتی می گذارد کسی از چنگش فرار کند و دیگر به او سواری ندهد؟ آیا اگر توبه هم کرد، همه آثار آن زدوده می شود؟ اگر توفیق توبه نیابد چه؟

اگر اجل، مهلت توبه ندهد چه کند؟

این است که در مورد گناه نیز پیشگیری بهتر و راحت تر از مداواست، یعنی از اوّل گناه نکردن. حضرت علی علیه السلامی فرماید:

«تَرَكَ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ» (۱).

ص: ۸۸

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۷۰ (براساس نهج البلاغه محمد عبده، در نسخه های دیگر به جای توبه، معونه آمده است، یعنی یاری جستن برای جبران و آمرزش).

گناه نکردن، آسان تر از در پی توبه بودن است.

آنچه این قدرت را به انسان می دهد، تسلط بر نفس اماره و چیره بودن بر هوسها و در اختیار داشتن زمام نفس و کشاندن آن به وادی طاعت الهی است، نه بی اختیار در پی خواسته های نفس رفتن.

از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام است که ستایش از کسی می کند که از خدا می ترسد، نفس اماره خود را لجام می زند و اختیار آن را به دست خودش می گیرد و چون صحنه

ص: ۸۹

گناه پیش می آید لجام نفس را در دست می گیرد و آن را از ورود به منطقه ممنوعه گناه باز می دارد و به طرف اطاعت فرمان خدا سوق می دهد. (۱)

با این گونه تدبیر و کنترل نفس، می توان از گناه پیشگیری کرد، تا نوبت به توبه نرسد و این بسی آسان تر و عملی تر است.

ص: ۹۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۳۷ «امُرُوا الْجَمَّ نَفْسَهُ بِلِجَامِهَا وَرَمَّهَا بِزِمَامِهَا فَأَمْسِكْهَا بِلِجَامِهَا عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَقَادَهَا بِزِمَامِهَا إِلَى طَاعَةِ اللَّهِ».

راههای دیگر آمرزش گناه

دانستیم که توبه، پیش شرطی چون پشیمانی از گناه و تصمیم بر ترک آن در آینده دارد، تا نوبت به استغفار زبانی و آمرزش خواهی از خدا برسد و خداوند هم وعده پذیرش توبه و آمرزش گناهان را داده است. در کلمات حضرت علی علیه السلام، کارهای

دیگری نیز بیان شده که موجب مغفرت الهی

ص: ۹۱

است و در قلمرو همان «جبران» قرار می‌گیرد که یاد شد. از آن جمله است:

۱ - مواظبت بر انجام نماز. حضرت می‌فرماید:

«به نماز پردازید، از آن مواظبت بسیار کنید، زیاد نماز بخوانید و به وسیله آن به خدا نزدیک شوید. نماز، گناهان را فرو می‌ریزد، مثل ریزش برگها و بند گناهان را از معصیت کار می‌گشاید. پیامبر خدا آن را به نهر آبی تشبیه کرده است که در خانه کسی است و روزی پنج بار خود را در آن می‌شوید. آیا

ص: ۹۲

ممکن است آلودگی باقی بماند؟» (۱)

۲- ترک گناه. خود دست کشیدن از گناه، توبه و کار نیک محسوب می شود و پاداش دارد.

حضرت می فرماید:

«بَلْ جَعَلَ نُزُوعَكَ عَنِ الذَّنْبِ حَسَنَةً» (۲)

خداوند، دست کشیدن تو از گناه را حسنه قرار داده و ده برابر به حسنه تو پاداش می دهد.

۳- کارهای نیک. حضرت می فرماید:

ص: ۹۳

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹ «تَعَاهَدُوا أَمْرَ الصَّلَاةِ وَحَافِظُوا عَلَيْهَا...».

۲- نامه ۳۱.

«صَدَقَهُ السِّرُّ، فَإِنَّهَا تُكْفِّرُ الْخَطِيئَةَ» (۱).

صدقه پنهانی، گناه را می پوشاند و می زداید.

در سخن دیگر یاری رساندن به درماندگان و به داد دیگران رسیدن را کفاره گناهان شمرده، می فرماید:

«مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ» (۲).

۴ - تحمّل بیماری. در روایات بسیاری آمده است که گاهی مرض و بیماری عطیه ای

ص: ۹۴

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۴.

از سوی خداست تا گناهان بنده را پاک کند و چیزی برای آخرت نماند. اینجاست که تحمل این بیماریها و صبر در مقابل آن به امید اجر الهی، گناهان را می زداید. در نهج البلاغه می خوانیم که حضرت امیر علیه السلام در پاسخ به کسی که از بیماری خود می نالید فرمود:

«خداوند این نالیدن تو از بیماری ات را مایه ریزش گناهان قرار دهد، چرا که در خود بیماری پاداشی نیست، لیکن گناهان را فرو می ریزد، مثل فرو ریختن برگها»^(۱).

به هر حال، باید کارهای شایسته، توجه و

ص: ۹۵

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۲.

اقبال و اطاعت و بندگی از خود نشان داد تا خداوند بنده گنهکار را شایسته لطف و رحمت ببیند و قلم عفو و آمرزش بر خطاهایش بکشد.

ص: ۹۶

می توان خوب بود!

سخن آخر آنکه: خدا دوست ندارد ما بد باشیم و خطاکار. برای این هم آفریده نشده ایم و اگر در وادی معصیت افتاده باشیم، این بیراهه ای در مسیر زندگی ما و دور شدن از فطرت است و ما می توانیم با نردبان توبه، خود را به بام بلند پاکی و بیداری برسانیم.

ص: ۹۷

«ابتدای آتش فساد، یک جرّقه است

این جرّقه، رفته رفته شعله می شود

زین سبب،

باید از بروز این جرّقه بیم داشت

ورنه شعله، ساقه های خشک را

می کشد به کار خویش

می دهد به دست باد

می رود هر آنچه بوده... هرگز این چنین مباد

هرگز این چنین مباد.

می توان،

باز در کمین صبح روشنی نشست

می توان ستاره وار

ص: ۹۸

روشنای شب شد و رهی به خانه ها گشود

می شود هنوز هم

شام تیره گناه را

با دو دست توبه و نیایشی شکست

می توان

ظلمت گناه را زچهره حیات خویشتن زدود

می توان،

خوب بود و خوب بود.»(۱)

امید است که توبه، پای ما را به این وادی بکشاند و در دلها چراغ امید به رحمت الهی برافروزد.

ص: ۹۹

۱- برگ و بار، جواد محدّثی، ص ۲۴۹.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

